



خصوصی سازی در صنعت نفت، گاز و پتروشیمی

بخش خصوصی واقعی در انتظار

- در این سرفصل همچنین می خوانید:
- ۲۵ تکاپو پس از ۱۰۰ سال
- ۲۷ در انتظار نفت خصوصی
- ۲۹ عاملیت با بخش خصوصی، نظارت با دولت

نیروی انسانی و مدیریتی انجام دهد. ترویج شایسته سالاری، حذف رقابت های ناعادلانه دولتی و مدیریت دانش و همچنین پایه گذاری رشته های جدید دانشگاهی که از جنبه های فنی و مدیریتی، صنعت نفت را ارزیابی می کنند از ملزومات دیگر در این زمینه به حساب می آیند.

یارانه و رقابت

سیاست های یارانه ای دولت به حامل های انرژی که موجب رقابت ناعادلانه بخش دولتی و خصوصی می شود، از مباحثی است که اخیراً دولت در شرف اتخاذ تدابیری برای کاهش آن می باشد. در این زمینه، اتخاذ سیاست های آزادسازی قیمت حامل های انرژی، می تواند به رفع تبعیض های رقابتی منجر گردیده و انگیزه های حضور بخش خصوصی را فراهم نماید.

از سوی دیگر، فضای کسب و کار نامناسب در ایران می تواند دامنگیر صنعت نفت کشور نیز بشود. اخذ مجوزهای فعالیت از مراجع ذیربط که از بُعد تعداد مراحل لازم و زمان مورد نیاز اخذ مجوز می تواند منجر به تضعیف سرمایه گذاری در این بخش شود، قوانین کار و بیمه تأمین اجتماعی و محیط زیست که از مقررات مربوط به فعالیت های بنگاه های اقتصادی است، از جمله موارد ضعف فضای کسب و کار هستند.

در این راستا، فراهم کردن فضای آزاد رقابتی برای فعالیت بخش خصوصی ضروری است. در کنار آن، تعیین قوانین شفاف و جدید که ضمانت اجرایی داشته و سرمایه گذار را با اطمینان سرمایه گذاری در این بخش مواجه می کند و تدوین استراتژی خصوصی سازی و اهمیت دادن به این بخش - نه به عنوان رقیب بلکه با عنوان

مسیر اجرای خصوصی سازی واقعی در صنعت نفت با مشکلات متعددی روبه رو است که نیاز به سیاست های جدی دارد.

چالش های خصوصی سازی صنعت نفت

یکی از چالش های موجود در این مسیر عدم وجود نیروی انسانی ماهر می باشد که این نکته خود به دلیل تخصصی بودن کاری تواند به ضعف در کار شرکت های خصوصی جدید منجر گردد. استفاده از نیروی کار متخصص در صنعت نیز به دلیل عملیات انتقال های مالکیتی ممکن است به طور کامل صورت نگیرد و در نتیجه این کمبود نیروی انسانی به کاهش بهره وری منجر شود. در این راستا، آموزش نیروی انسانی غیرماهر و تبدیل آن به نیروی متخصص در کنار اتخاذ تدابیر مناسب برای نیروی کار که امنیت شغلی و مالی را در او به وجود آورد می تواند تا حدودی، مباحث مربوط به چالش های نیروی کار را در صنعت نفت رفع نماید.

در کنار بحث نیروی انسانی، عامل مدیریت مطرح است. در زمینه ارتقای دانش مدیریتی می توان به نقش نهادهای برون سازمانی نظیر دانشگاه ها و پژوهشگاه های صنعت نفت و سایر مؤسسات اشاره کرد. تدوین استراتژی کلان نیروی انسانی و مدیریتی صنعت نفت و بهره گیری از توانمندی های مدیریتی از طریق مکانیزم های پیمانکاری و قراردادی، از برنامه هایی است که دولت موظف است جهت رفع موانع مربوط به

اتخاذ سیاست های دولت در زمینه کاهش مداخلات و واگذاری بخش های مختلف تولیدی و صنعتی به بخش خصوصی و صدور فرامین مقام معظم رهبری مبنی بر اجرای سیاست های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، شرایطی را فراهم آورد تا ضمن مطالعات گسترده، جهت اجرایی شدن سیاست فوق در همه زمینه ها به طور عام و در بخش نفت به طور خاص، اقدامات لازم صورت پذیرد.

آنچه در سند چشم انداز ۲۰ ساله کشور در زمینه سیاست های خارجی جمهوری اسلامی آمده - که با اتخاذ استراتژی های کلان و در جهت ارتقای سطح توسعه اقتصادی همراه است - در عرصه های مختلف، زمینه ساز حضور سرمایه گذاران خارجی در کشور بوده است.

در این میان، بررسی روند خصوصی سازی در صنایع بالادستی و پایین دستی صنعت نفت که می تواند موانع و چالش های این مهم را مورد شناسایی قرار داده و همچنین راهکارهای مناسب جهت اتخاذ مناسب ترین سیاست ها و استراتژی ها را نشان دهد، ضروری است. این در حالی است که در مسیر اجرای خصوصی سازی در صنعت نفت مشکلات متعددی رخ می نماید.

برای بررسی مراحل نیل به این اهداف، حتی در قالب خصوصی سازی، توجه جدی صورت گیرد که همچنان به وظایف خود، هم در تأمین انرژی و مواد اولیه و هم تأمین ارز کافی برای رشد اقتصادی عمل نمایند.

می توان گفت علت خصوصی سازی صنعت نفت تنها کاهش حجم مداخلات دولت و کاهش نفوذ دولت در اقتصاد نیست، بلکه همچنین جذب سرمایه های خارجی در این زمینه مدنظر بوده و در غیر این صورت می شد با مکلف کردن قانونی دولت به استفاده محدود از درآمدهای ناشی از نفت - آنچنان که در کویت رخ داده است - این کار را انجام داد. در حالی که هدف، جذب سرمایه گذاری های خارجی در این صنعت و استفاده از فن آوری های جهانی است که این امر، صنایع مادر را پویاتر نموده و می تواند مزایای ناشی از آن را عاید اقتصاد داخلی گرداند.

لازم به ذکر است که ایران در مقام سوم دارندگان ذخایر نفت و دوم ذخایر گاز جهان می باشد و پیش بینی می شود با استخراج کنونی و بدون احتساب ذخایر دریای خزر، در حدود ۸۷ سال نفت و ۳۱۹ سال گاز داشته باشیم. لذا واگذاری صنایع مادر، از جمله صنایع بزرگ پایین دستی نفت و گاز - به استثنای شرکت ملی نفت ایران و شرکت های استخراج و تولید نفت خام و گاز و بسیاری از شرکت های مادر وزارت نفت که خوراک بسیاری از شرکت های دیگر را فراهم می کنند و نیاز به سرمایه های بسیار زیاد دارند - می تواند به توسعه این بخش ها کمک کند. در حالی که تولید متوسط روزانه کشور در حد ۵ درصد تولید جهانی است و بر مبنای صادرات روزانه حدود ۲/۵ میلیون بشکه، در رتبه چهارم صادرات نفت جهان قرار دارد.

به علاوه، ایران بزرگترین ناوگان حمل و نقل دریایی خاورمیانه را در اختیار داشته و بزرگترین ترمینال نفتی با ظرفیت ۱۶ میلیون بشکه نفت و ۵ میلیون ظرفیت اضافی در جزیره خارک ایران واقع است. لازم به ذکر است، بدون ارتقای سطح تجهیزات و سرمایه گذاری خارجی در بخش نفت و بر اساس روند کنونی احتمال این که ایران در سال ۲۰۲۰، واردکننده نفت بشود بعید نخواهد بود.

در این بین باید به برخی از تهدیدهای جهانی که در عرصه های بین المللی صورت می پذیرد و می تواند اثرات منفی بر روند خصوصی سازی در صنعت نفت و گاز به همراه داشته باشد، اشاره کرد. به عقیده برخی از صاحب نظران سیاسی و اقتصادی، روند خصوصی سازی می تواند بر تحریم ها اثر گذاشته و حتی پاسخ تجاری ایران به تحریم ها باشد. البته از نظر دیگران، این تحریم ها ممکن است مؤثر افتد و زمینه حضور شرکت های خصوصی را در صنعت نفت ایران کاهش دهد. ■



و سیاسی بر آن مؤثر خواهند بود وجود دارد. همچنین نرخ ارز که باز در این رابطه، دولت ها هستند که گاهی با اعمال سیاست های ارزی موجب تغییرات آنها می شوند و یا مثلاً می توان به نوع فرآورده های تولیدی و میزان آنها اشاره کرد. میزان صادرات و تعیین کننده های برنامه صادرات نیز از مسائلی هستند که بخش خصوصی پیش از سرمایه گذاری باید آنها را مورد توجه قرار دهد.

در این راستا، ایجاد یک سازمان حمایتی مناسب که به بررسی تدابیر لازم جهت حل و فصل مشکلات ناشی از خصوصی سازی می پردازد نیز مقرر است. در کنار توجه به مسایل فوق، توجه به این موضوع مهم است که بدون شک، شرکت های سرمایه گذار که در مسیر حداکثر کردن سودهای خود هستند، در زمینه حرکت به سمت شرکت های سودآور، تصمیمات عقلایی خواهند گرفت و این امر، منجر به تعطیلی برخی از پروژه های غیراقتصادی مانند پروژه های گازرسانی به شهرها و روستاها خواهد شد. لازم به ذکر است که این امور تنها با اخذ هزینه های بالاتر که به مصرف کنندگان تحمیل خواهد شد، عملی می شود و لذا باید سیاست های جدیدی را اندیشید، مضاف بر این که رهاسازی این شرکت ها می تواند منجر به وارد آمدن فشار مالی بر مصرف کنندگان محصولات وابسته جامعه شود. لذا با توجه به مسایل فوق، آشکار است که خصوصی سازی در کنار یک سیستم حمایتی و نظارتی است که می تواند از ضعف یا شکست سیاست فوق جلوگیری کند.

در این بین، برخی از کارشناسان اقتصادی معتقدند که روند سریع خصوصی سازی شرکت های نفتی که اخیراً در پیش گرفته شده است، به نحوی منجر به عدم رعایت پیش نیازهای لازم جهت این امر شده و از دقت سیاست مداران در پیاده کردن اصول حاکم بر اصل ۴۴ می کاهد. در این راستا، طبق اظهار نظر محمدرضا مقدم، مسؤول ستاد مرکزی اصل ۴۴ قانون اساسی در وزارت نفت، شرکت ها از نظر موقعیت مالی مورد سنجش قرار گرفته و میزان بدهی ها و سرمایه مورد نیاز آنها بررسی شده است و نهایتاً واگذاری این شرکت ها به سال های برنامه توسعه و یک تا دو سال پس از آن موکول شده است. مطابق آنچه در سند چشم انداز ۲۰ ساله آمده، برای بخش انرژی و صنعت نفت در بخش های بالادستی، رشدی معادل ۸/۶ درصد در نظر گرفته شده است که لازم است

بخش حمایتی سرمایه گذاری که مفید و مؤثر باشد - و دفاع از حقوق بخش خصوصی و ایجاد اطمینان به شرایط واگذاری ضروری است. همچنین، باید در زمینه فعال تر شدن قوای اقتصادی، از برخی مقررات زاید که منجر به تعلل در سرمایه گذاری می شود، در جهت کاهش تبعات منفی ناشی از حرکت از بخش دولتی به خصوصی صرف نظر کرد.

تورم، سود و سرمایه گذاری

بالا بودن تورم و نرخ های سود/ بهره داخلی که منجر به گران شدن سرمایه های داخلی شده است، نیاز کشور را به حضور سرمایه های ارزان، کم بهره و با امنیت بالا چند برابر کرده است. در این زمینه باید گفت، امکانات بین المللی مالی و تکنولوژی بالاتر که می تواند به توسعه صنعت نفت کشور بینجامد، اهمیت اتخاذ سیاست های خارجی مبتنی بر تعاملات سازنده منطقه ای و جهانی را نشان می دهد و شرایط را در راستای اهداف سند چشم انداز بر مبنای حرکت به سمت اعتمادسازی، فضای سرمایه گذاری مناسب خارجی و انتقال فن آوری های مناسب برای توسعه بخش نفت و گاز کشور فراهم می کند. در حال حاضر، بیشتر سرمایه گذاری های مربوط به نفت و گاز، از طریق فاینانس و بیع متقابل صورت می پذیرد در حالی که می توان منابع لازم را از راه های فراوان دیگر نیز به دست آورد، که خصوصی سازی در این صنایع از جمله این راه ها است.

لذا فراهم کردن زمینه حضور سرمایه گذاران، اعم از سرمایه گذاران داخلی و خارجی در کشور می تواند منجر به ایجاد ارزش افزوده بالاتر شود. اتخاذ این سیاست، حضور بخش دولتی را کمرنگ تر کرده و بخش خصوصی را فعال تر می کند. از طرفی، طراحی قراردادهای بلندمدت در جهت ارتباط بین بخش های بالادستی و پایین دستی در صنعت نفت می تواند تضمین کننده حضور پویای بخش خصوصی در فرآیند تولید و توزیع باشد.

تغییر در شکل و ساختار صنعت نفت

بدون شک، در زمینه حضور در فرآیندهای سرمایه گذاری در صنعت نفت دغدغه هایی از جمله تأمین مواد خام مورد نیاز و فرایندهای سیاسی و قانونی که دولت ها به عنوان سیاست گذار اقتصادی